

فرق دانایی و فرزانی

هر فرزانه‌ای لزوماً داناست، اما هر دانایی لزوماً فرزانه نخواهد بود

تک نگاشت ترویجی با هدف طرح موضوع

مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی
پروژهی سازمان معیار

میدان نوبنیاد، خ شهید لنگری، خ گلزار، خ لادن شرقی، پلاک ۱۴. تلفن: ۲۲۹۵۹۲۱۳ و ۲۲۹۵۹۱۶۹ دورنگار: ۲۲۹۵۳۲۹۵

عنوان گزارش : فرق دانایی و فرزاندگی
نویسنده : مهندس عقیل ملکی فر
کد گزارش : ۱۲۶/ت/۴/م/پ/۸۳
تاریخ : مرداد ماه ۱۳۸۴

نقل مطالب با اشاره به مشخصات کامل سند و رعایت حقوق معنوی مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی بلامانع است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين
و صلى الله عليه وآله الطاهرين

به آینده خوش آمدید

گشایش

این تک‌نگاشت کوتاه نیز هم‌چون تک‌نگاشت "۱۴ ویژگی سازمان معیار"، که پیش از این منتشر گردیده، یک نگاشته‌ی ترویجی است؛ به این معنا که ساختار و بیان خشک علمی ندارد؛ و می‌کوشد تا مقوله‌ای سترگ را در حد "طرح موضوع" بگشاید و احیاناً گوشه‌هایی از موضوع و اهمیت آن را بنمایاند. امروز بحث از "دانایی" و "خردمندی" نقل همه‌ی محافل است. اما کمتر کسی به مفهوم دقیق و تفاوت‌های ظریف آن‌ها توجه دارد. این در حالی است که چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی کشور، ایران ۱۴۰۴ را یک "جامعه‌ی دانایی محور" توصیف نموده؛ که مشتقات بدیهی آن "اقتصاد دانایی محور"، "دفاع دانایی محور"، "فرهنگ دانایی محور" و "الخ خواهد بود. اما دانایی به شرطی قابل ایجاد و بهره‌برداری مؤثر در خدمت نیک‌فرجامی جامعه است که تحت سیطره‌ی "خردمندی" باشد؛ (در این تک‌نگاشت، فرزانیگی مترادف با واژه‌ی خردمندی به کار رفته است).

هرچند دانایی مهم است و از قدیم و ندیم پذیرفته‌ایم که "توانا بود هر که دانا بود؛" اما مسأله‌ی محوری جوامع و سازمان‌های بالنده‌ی امروز دانایی نیست. دانایی از طرق مختلفی قابل تحصیل است؛ در صورت

لزوم می‌توان پول داد و بسیاری از انواع دانایی را حتا از بیگانگان خرید. اما فرزانی لزوماً باید "درون جوش" و "خودآفریده" باشد، و گرنه ما را به جایی می‌برد که دیگران می‌خواهند.

پروفسور فومیوکوداما، اندیشمند ژاپنی و صاحب‌نظر در سیاست صنعتی و فناوری، دوازده سال پیش در کتاب معروفش "شش پارادایم نوین تکنولوژی" این موضوع را به‌خوبی نمایان کرده بود که شرکت‌های برتر ژاپنی، دیگر به تولید دانایی افتخار نمی‌کنند. این افتخار از آن صنایعی است که هنوز خود را "پایگاه تولید محصول" می‌دانند و از خود یک تلقی کارخانجاتی دارند. افتخار شرکت‌های برتر ژاپنی این است که به "اندیشگاه‌های تراز اول" تبدیل شده‌اند، و خود را پایگاه تولید اندیشه و فرزانی می‌دانند و برپایه‌ی همین توانایی ویژه است که بازارهای جهانی را یکی پس از دیگری می‌گشایند و امپراتوری اقتصادی کنفوسیوس را گسترش می‌دهد. او تعبیر صنعت به‌عنوان "پایگاه تولید محصول" را پارادایمی کهنه می‌داند و از پارادایم نوین "صنعت فرزانه" سخن می‌گوید، صنعتی که بهترین مغزهای خود را به تولید فرزانی می‌گمارد؛ و نه به کار گل تولید دانایی!

بی‌گمان این دیدگاه‌ها اندکی سنگین است؛ آن هم در جامعه‌ای که هنوز ارزش واقعی شرکت‌ها و سازمان‌ها را با دارایی‌های دفتری آن‌ها می‌سنجد. عجیب است؛ حتی قابلیت تولید دانایی، که در جای خود قابلیت یکتایی به‌شمار می‌آید، در جامعه‌ی صنعتی ما ارزش چندانی ندارد تا چه رسد به قابلیت تولید فرزانی، که حاصل عینی آن گاه در مثنی سند به نام چشم‌انداز، سیاست، راهبرد، برنامه‌ی اقدام، کار راهه^۱ و از این قبیل آشکار می‌شود. مدیران هنوز از خود می‌پرسند که آیا ما باید برای تولید این سندها واقعاً میلیون‌ها تومان هزینه کنیم؟ آخرش چه؟ تکلیف ترانزنامه‌های عملیاتی سازمان در پایان سال چه می‌شود؟

روشن است که یک جامعه‌ی دانایی محور، متشکل از سلول‌هایی به نام "سازمان‌های دانایی محور" است. آیا هرگز در خصوص ویژگی‌های این‌گونه سازمان‌ها اندیشیده‌اید؟ سازمان دانایی محور به سازمانی گفته می‌شود که بقای آن به "تولید دانایی" از طریق تحقیق و توسعه، و شکوفایی آن به "نوآوری" بستگی دارد. این چنین سازمانی می‌تواند تولید دانایی نموده، و آن را در سایه‌ی فرزانی، به نوآوری‌های تأثیرگذار بدل نماید - خواه نوآوری‌های دفاعی و خواه تجاری.

کمی پایین‌تر بیاییم. سازمان دانایی محور متشکل از مدیران و کارکنان دانایی محور است؛ آن‌ها که حقیقتاً قادر به تولید دانایی بوده، و می‌توانند آن را به نوآوری تبدیل نمایند. این بدان معناست که شما در هر شغلی و مقامی که هستید باید از طریق تحقیق و پژوهش نظام‌مند قادر به به "تولید دانایی" باشید. چه فرق می‌کند که مدیر اداری مالی باشید یا مدیر پشتیبانی و خدمات؛ و یا کارشناسی ساده در حوزه‌ی امور اداری، این‌ها صرفاً مثال است.

اما همان‌طور که اشاره شد، مسأله‌ی اصلی سازمان‌ها، تولید دانایی در درون سازمان‌ها نیست؛ بلکه تولید فرزاندگی است.

انتقادات و رهنمودهای شما در این بحث کلیدی راهگشا خواهد بود. به ویژه فراموش نکنیم که چشم‌انداز بزرگ مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، تبدیل شدن به یک "سازمان معیار" است. چنین سازمانی در وهله‌ی اول یک "سازمان فرزانه" خواهد بود.

فرق دانایی و فرزاندگی

هر فرزانه‌ای لزوماً داناست، اما هر دانایی لزوماً فرزانه نخواهد بود

کجاست آن دانایی‌ای
که در ازدحام "اطلاعات" گم شد؟
و کجاست آن فرزاندگی‌ای
که در ازدحام "دانایی" ناپدید گردید؟
- تی.اس.الیوت^۱

امروز کسی نمی‌تواند خود را مدیر، مشاور یا کارشناس توانایی به‌شمار آورد اما شناخت ژرفی از مفاهیم "دانایی" و "فرزاندگی" و تفاوت‌های بنیادین آن‌ها نداشته باشد. مردم غالباً این دو معنا را مترادف با یکدیگر به‌کار می‌برند؛ همان‌گونه که مثلاً مفاهیمی چون ابتکار و نوآوری را در حوزه‌های صنعت و فناوری مترادف می‌دانند، اما صاحب‌نظران مدیریت تکنولوژی به‌خوبی می‌دانند که میان ابتکار و نوآوری تفاوت از زمین تا آسمان است. واژه‌ی دانایی این روزها به کلیدواژه‌ای اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و حتی امنیتی - دفاعی تبدیل شده، و از این طریق در ادبیات و متون سیاستی/ برنامه‌ای جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. امروز به فراوانی سخن از عصر اطلاعات و دانایی، جامعه‌ی دانایی محور^۲، اقتصاد دانایی محور، فرهنگ دانایی محور، امنیت/ دفاع دانایی محور، و صنایع دانایی محور به میان می‌آید. چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی کشور، ایران ۱۴۰۴

۱. شاعر نامدار انگلیسی. وی در این شعر زیبا نگران گم شدن دانایی در ازدحام اطلاعات و از دست رفتن فرزاندگی در هجوم دانایی است!

2. Knowledge-Based Society

را یک جامعه‌ی دانایی محور پیشرفته توصیف می‌کند، و نخستین فصل برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی کشور، عنوان "اقتصاد دانایی محور" را برایشانی دارد.

دانایی چیست؟ دانایی، و به بیان دقیق‌تر "دانش"، برابر نهاده‌ی واژه‌ی انگلیسی knowledge است که عصاره‌ی آن دانشوری و خبرگی در هر زمینه‌ای است. یک پزشک، دانای امور مربوط به سلامت جسمانی یا روانی انسان، و یک مهندس ساختمان، دانای امور مربوط به ساخت‌وساز بناهای مختلف است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد، دانایی (دانش) را شامل اطلاعات، فهم^۱ و مهارت‌هایی می‌داند که شما از طریق آموزش یا تجربه حاصل می‌کنید. در بهترین حالت، شما بر پایه‌ی آموزش‌های نظام‌مند و تجربیات درازمدت، در زمینه‌ی خاصی "متخصص" می‌شوید. پس انسان دانا مترادف با انسان متخصص است. شاخص تخصص این است که شما می‌توانید کار معینی را چنان انجام دهید که مصداق "کار حرفه‌ای"^۲ باشد. دانش (دانایی) از دیدگاه ما به دو دسته تقسیم می‌شود:

- **دانش نظری (دانش علمی)؛** که نزد متخصصان علوم مختلف همچون فیزیک، شیمی، ریاضیات و از این قبیل یافت می‌شود.

- **دانش عملی (دانش فنی)؛** که نزد تکنولوژیست‌ها، مهندسان، تکنسین‌ها، استادکاران و از این دست پیدا می‌شود. تقسیم‌بندی‌های دیگری هم از دانش برحسب معیارهای مختلف وجود دارد که بحث پیرامون آن‌ها از عهده‌ی این مجال بیرون است (مثلاً دانش صریح / دانش ضمنی؛ دانش چگونگی / دانش چرایی / دانش چیستی / دانش کیستی / دانش کجایی و الخ ... که درک آن‌ها به ویژه برای متخصصان مدیریت تکنولوژی از امور ضروری محسوب می‌شود).

حال ببینیم که "فرزانگی"، این گوهر کمیاب زمانه‌ی ما که به قول تی.اس.الیوت در ازدحام دانایی گم شده است چه معنایی را واگو می‌کند؟ روزگاری در هر گوشه‌ای از مشرق زمین "فرزانه مردان" بزرگی می‌زیستند که نور وجودشان تاریکی‌های فراروی مردم را می‌زدود و به آن‌ها کمک می‌کرد تا بتوانند راه درست زندگی و دست‌یابی به حقیقت را بیابند و خیر را از شر و نیکی را از پلیدی باز شناسند. فرزانگی یا "خردمندی" برابر نهاده‌ی واژه‌ی انگلیسی wisdom است که در فرهنگ انگلیسی آکسفورد چنین تعریف شده است: "توانایی گرفتن تصمیم‌های هوشمندانه یا دادن رهنمودهای بایسته به دیگران برپایه‌ی دانایی

1. understanding
2. Professional work

و تجربه". تعریف دیگر آن "بصیرت ژرفی است که یک فرد، سازمان، یا جامعه در بازه‌های زمانی دراز می‌انبارد".

هم‌چنان که ملاحظه می‌کنید، فرزاندگی در جوهره‌ی خود با سه عنصر کلیدی سر و کار دارد:

- توانایی گرفتن تصمیم‌های خبرگانه؛
- توانایی رهنموددهی، مشاوره، و به تعبیر قدما "اندرزدادن"؛ و
- مبتنی بودن بر دانش یا تجربه‌ی ژرف.

این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که فرزاندگی به دنبال دانایی می‌آید، اما هر آنکه دانا باشد، لزوماً فرزانه نخواهد بود! به‌عنوان مثال، یک مهندس هوافضا را در نظر بگیرید که فوق‌دکترای هواپیماسازی در تخصص آئرو‌دینامیک از بهترین دانشکده‌ی هوافضایی دنیا دارد. او در طراحی سازه‌های هواپیما حرف اول را می‌زند؛ اما آیا او می‌تواند جواب این پرسش حیاتی را هم بدهد که "صنعت هواپیماسازی ایران برای درخشش جهانی در بیست سال آینده، باید روی چه نوع هواپیمای مسافری سرمایه‌گذاری کند: کم‌ظرفیت، میان‌ظرفیت یا پرظرفیت؟"

اگر شما سیاستگذار صنعت هوایی کشور باشید، چقدر به پاسخ این متخصص اعتماد می‌کنید، و آن را مبنای سرمایه‌گذاری بلندمدت در صنعت هوایی قرار می‌دهید؟ چنان چه بخواهید به‌صورت حرفه‌ای و هوشمندانه تصمیم بگیرید، باید جواب این سؤال را از یک گروه مشاور بپرسید که قادر به تولید "فرزاندگی" لازم برای اتخاذ تصمیم‌های استراتژیک در صنعت هوایی باشند. این گروه فرزانه شاید تخصص چندانی در جزئیات طراحی و ساخت هواپیما نداشته باشد، اما به‌گونه‌ای نظام‌مند می‌تواند "هرم فرزاندگی" را تشکیل داده، و پاسخ سؤال شما را بیابد. به‌طوری که شکل (۱) نشان می‌دهد، هرم فرزاندگی بر یک قاعده‌ی مثلث‌گونه استوار است که رأس‌های آن عبارتند از:

۱. چشم‌انداز (دیدمان)^۱؛ که در مثال ما ناظر بر چشم‌انداز مطلوب صنعت هوایی کشور در بیست‌سال آینده است. طراحی چشم‌اندازها اصولاً به گروه‌هایی سپرده می‌شوند که تخصص محوری آن‌ها آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی استراتژیک است.

۲. ارزش‌ها؛ که به صورت‌های گوناگونی تعریف شده‌اند. تعریف مدیریتی / عملیاتی ارزش‌ها به گفته‌ی پروفیسور رالف ال. کینی چنین است: "همه‌ی چیزهایی که برای ما واقعاً اهمیت دارند و باید در تمامی تصمیم‌ها و اقدامات ما آشکارا متجلی باشند"^۳. به‌عنوان مثال، ارزش‌های صنعت هوایی کشور می‌توانند مواردی از این دست باشند:

- تقویت غرور ملی (اولین ارزش کلیدی در ناسای آمریکا)؛
- تقویت بنیه‌ی دفاعی؛
- دستیابی به دانش طراحی و موتناژ سامانه‌های بزرگ (که نهایت آن طراحی "سامانه‌ی سامانه‌ها"^۱ست)؛
- تولید اشتغال خیرگانه (فرصت‌های شغلی ویژه‌ی نخبگان که در کمتر صنعت کشور پیدا می‌شود)؛
- تقویت اعتماد به نفس ملی در صنعت و فناوری (پروفیسور بی‌جی. جیبی، پدر صنعت هوایی اندونزی می‌گفت: صنعت هوایی "صد" صنعت کشور است؛ چون که صد آید نود هم پیش ما است. وقتی ملتی بتواند هواپیما بسازد، هر سامانه‌ی دیگری را به جرأت می‌سازد).

۳. عبرت‌ها؛ که ناظر بر آموزه‌های تاریخ است. به قول مولوی:

هر که ناموخت از گذشت روزگار / هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار!

واژه‌ی "دکترین" که این روزها فراوان به‌کار می‌رود، در حقیقت اشاره به آموزه‌های ماندگار تاریخی در یک زمینه‌ی خاص دارد. دکترین نظامی یک کشور غالباً حاوی مجموعه‌ای از درس‌های کلی و ماندگار است که جنگاوران آن کشور از جنگ‌های گذشته‌ی خود و دیگران آموخته‌اند. دکترین، تجلی عبرت‌هاست.

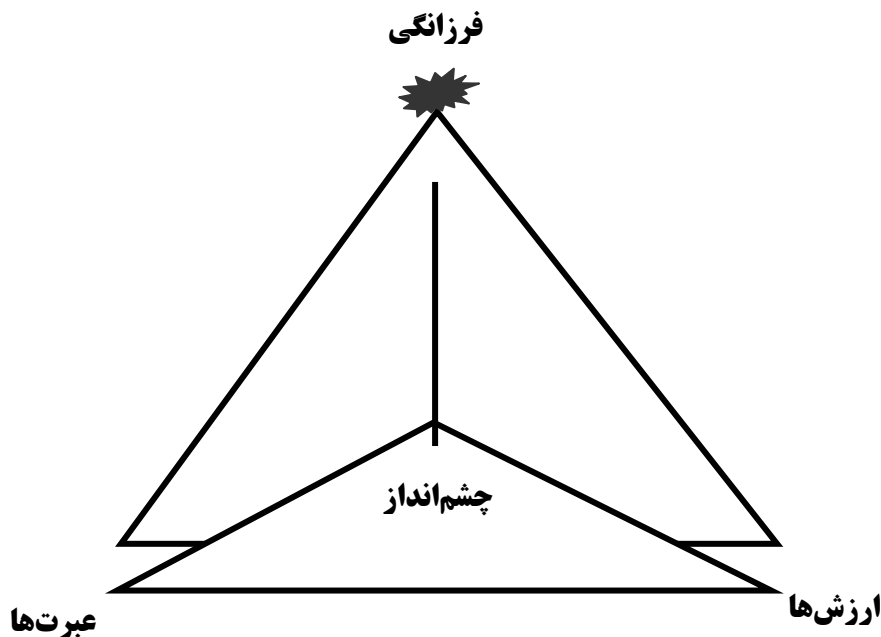
1. Values

۳. برای اطلاع بیشتر پیرامون این تعریف و ویژگی "ارزش‌ها" و خصوصاً نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری هوشمندانه، رک:

- پروفیسور رالف ال. کینی، "تفکر ارزشی، راهی به سوی تصمیم‌گیری خلاق"؛ تهران، مؤسسه‌ی انتشاراتی کرانه‌ی علم، ۱۳۸۱.

3. System of Systems

در ادبیات نظامی مدرن، سامانه‌ی C5I به‌عنوان سامانه‌ی سامانه‌ها شناخته می‌شود.



شکل ۱. هرم فرزانی

آن چه به‌ویژه باید مورد توجه قرار گیرد این است که فرزانی بر پایه‌ی سرشت خود به دو نوع تقسیم می‌شود:

- فرزانی عرفی؛ که برآمده از معارف و دانش‌های روز بشری است؛ و
 - فرزانی قدسی؛ که الهام گرفته از معارف و حیانی است و سرشت روحانی دارد. این نوع فرزانی را اصطلاحاً "حکمت" می‌نامند. حکیم فردوسی، حکیم سنایی، حکیم ابوعلی سینا و ملاصدرای شیرازی از قله‌های رازآلود حکمت قدسی در تمدن اسلامی به‌شمار می‌آیند.
- یکی از دانش‌واژه‌های زیبایی که اخیراً جهت اشاره به فرزانی عرفی ابداع شده است، "هوشمندی استراتژیک"^۱ است. الکساندر توبکه، هوشمندی استراتژیک را چنین توصیف می‌کند: "جستجو، پردازش، اشاعه، و حفاظت از اطلاعات با هدف ارائه‌ی آن‌ها به فرد مناسب، در زمان مناسب جهت اتخاذ تصمیم مناسب"^۲. از نظر وی هوشمندی استراتژیک، به عنوان پشتوانه‌ی تصمیم‌های کلیدی در جهان امروز، شامل سه حوزه‌ی زیر می‌شود:

1 . Strategic Intelligence

۲. درباره‌ی "هوشمندی استراتژیک" و ابعاد گوناگون آن، کتاب زیبایی به‌زودی از سوی مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی منتشر خواهد شد که مشخصات کلی آن چنین است:
 - "هوشمندی استراتژیک در سیاست‌گذاری": کاری از مرکز مطالعات فناوری‌های آینده وابسته به پژوهشگاه مشترک کمیسیون اروپا و شبکه‌ی دیده‌بانی علوم و فناوری اروپا.

۱. پیش‌بینی فناوری؛
۲. آینده‌نگاری فناوری؛ و
۳. ارزیابی فناوری.

شکل (۲) این معنا را نشان می‌دهد.

صاحب این قلم ورودی در ساحت فرزاندگی قدسی (حکمت) ندارد و تنها این نکته را می‌داند که دستیابی به مدارج عالی‌ه‌ی حکمت، علاوه بر فهم عمیق معارف و حیانی، نیاز به مجاهدت‌های روحانی و پرهیز از آرایش‌های نفسانی دارد. روح انسان باید پاکیزه و پذیرنده و "آسمان‌نگر" باشد تا به ظرف حکمت متعالی بدل شود. اما فرزاندگی عرفی را می‌توان به‌گونه‌ای سازمان‌یافته و نظام‌مند از طریق "اندیشگاه‌ها"یی چون مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی تولید کرد و آن را به‌صورت بسته‌بندی شده در دسترس مدیران ارشد قرار داد تا همواره تصمیم‌های بهتر و "کارآمدتری" بگیرند.

گرچه شاید خوشایند برخی از متخصصان نباشد، اما فلسفه‌ی وجودی اندیشگاه‌ها در این سخن حکیمانه نهفته است: "تصمیم‌گیری مهم‌تر از آن است که به متخصصان سپرده شود!" این بیان ژرف، الهام گرفته



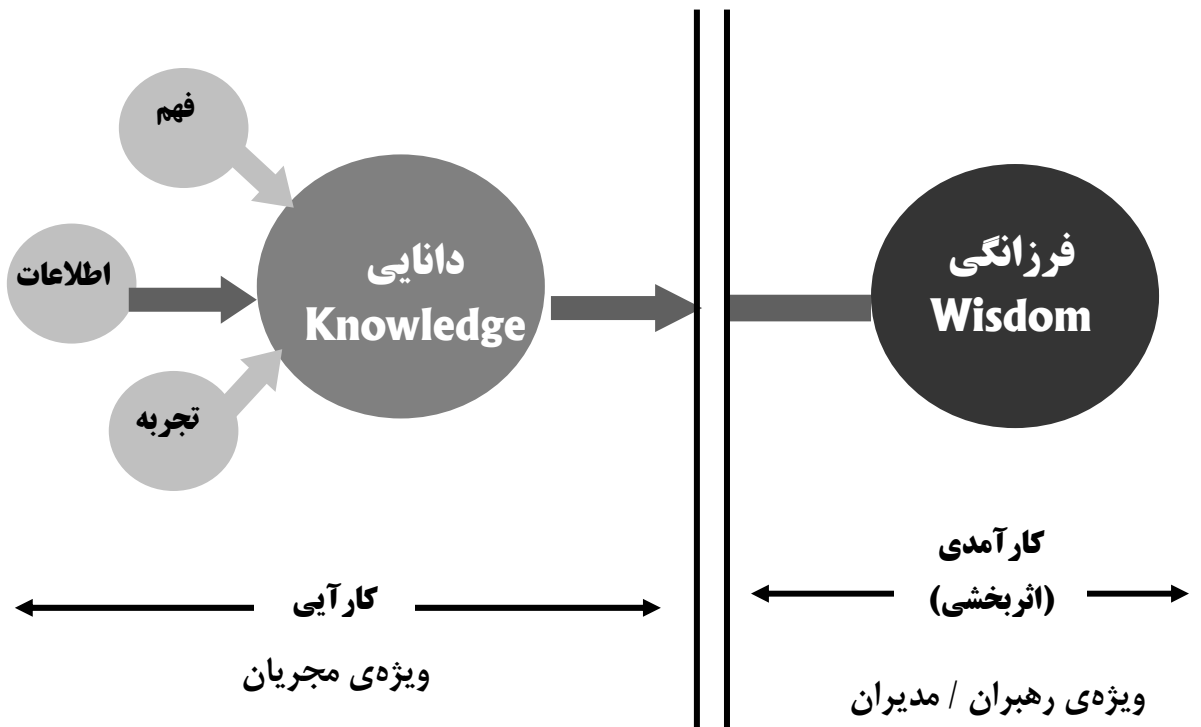
شکل ۲. حوزه‌های سه‌گانه‌ی هوشمندی استراتژیک

از سخن سان تزو، فرزانه‌مرد پرآوازه‌ی چین باستان در امور نظامی است. او در کتاب معروفش "هنر جنگ" می‌گوید: "جنگ مهم‌تر از آن است که به ژنرال‌ها سپرده شود". درست است که ژنرال‌ها، دانایان امور نظامی هستند و می‌توانند جنگ‌ها را به پیش ببرند؛ اما تصمیم‌گیری در خصوص جنگ یا صلح با حاکمان هر کشور است که به فرزاندگی کشورداری آراسته‌اند، و می‌دانند که جنگ‌ها چه وقت باید شروع و چه وقت باید به پایان برسند.

بحث را خلاصه کنیم:

۱. **دانایی (دانش)؛** ره‌توشه‌ی مورد نیاز "مجریان" است. مجریان یک پروژه‌ی هواپیماسازی باید مجهز به دانش طراحی و ساخت هواپیما باشند. **دانایی بیشتر به "کارآیی" بیشتر منتهی می‌شود.**
 ۲. **فرزاندگی (خردمندی)؛** ره‌توشه‌ی "مدیران/ رهبران" است؛ آن‌هایی که در موضع اتخاذ تصمیم‌ها و تعیین سیاست‌ها و استراتژی‌ها هستند - خواه در سطح سازمان‌ها و خواه در سطح کشورها - **فرزاندگی بیشتر به "کارآمدی" بیشتر منتهی می‌شود.**
 ۳. هر فرزانه‌ای لزوماً داناست؛ اما هر که دانا باشد لزوماً فرزانه نخواهد بود.
- شکل (۳) جایگاه دانایی و فرزاندگی و رابطه‌ی آن‌ها را با کارآیی و کارآمدی نشان می‌دهد. هم‌چنانکه می‌دانیم "بهره‌وری" از ضرب کارآیی در کارآمدی (اثربخشی) به‌دست می‌آید. جایی که شاهد بهره‌وری بالا هستیم، همان جایی است که درجه‌ی بالایی از کارآیی و کارآمدی وجود دارد.

۱. این کتاب در سال ۸۴، با عنوان "هنر جنگ‌آوری"، توسط نشر فرا منتشر شده است. دریغ که ترجمه‌ی آن به قدری شتابزده است که ارزش این کتاب حکیمانه را به‌طور جدی تنزل داده است. با این همه به خواندنش می‌آرزد.



شکل ۳. داناوی بیشتر به کارآیی بیشتر، و فرزانگی بیشتر به کارآمدی بیشتر منتهی می‌شود.